

ارتباط بین سبک رهبری مربیان و هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران

مهرعلی همتی نژاد^۱ - شهرام شفيعی کردشولی^۲ - مهدی حاجی آبادی^{۳*}

۱. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان، رشت، ایران ۲. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۱/۰۶)

چکیده

هدف از این پژوهش اولیت‌بندی و بررسی رابطه بین سبک‌های رهبری مربیان و خرده مقایس‌های هویت ورزشی بازیکنان در لیگ برتر هندبال ایران بود. نمونه آماری برابر با جامعه آماری شامل کلیه بازیکنان شاغل در لیگ برتر هندبال در نظر گرفته شد ($n=144$). ابزار پژوهش شامل پرسشنامه مقیاس رهبری در ورزش (LSS) چلادورای و ساله (۱۹۸۰) با پنج سبک رفتاری و پرسشنامه هویت ورزشی (AIMS Plus) چزلاک (۲۰۰۴) با پنج خرده مقیاس هویت به ترتیب با ثبات درونی (۰/۹۳) و (۰/۸۹) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کلموگراف-اسمیرنوف، ضریب همبستگی اسپیرمن، تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر، تعقیبی بونفرونی و فریدمن در نرم‌افزار SPSS (۱۹) استفاده شد ($p \leq 0/05$). نتایج نشان داد که سبک رهبری آموزش و تمرین $3/59 \pm 0/68$ ($M \pm SD$) بیشترین و سبک دموکراتیک $2/94 \pm 0/84$ ($M \pm SD$) کمترین استفاده را توسط مربیان داشته‌اند. همچنین خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت بیشترین و انحصارگرایی کمترین میانگین نمره را در مقیاس هویت ورزشی داشتند. نتایج همبستگی تنها در رابطه سبک رهبری آموزش و تمرین مربیان با هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال مثبت و معنی‌دار ($r: 0/23$) بود. براساس یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد مربیان می‌توانند با آگاهی از جنبه‌های رفتاری مطلوب در حین تمرین و آموزش، گام اساسی در حفظ و ثبات هویت ورزشی قوی ورزشکاران بردارند.

واژه‌های کلیدی

سبک رهبری، هویت ورزشی، مربیان، لیگ برتر، هندبال.

مقدمه

حداکثر فرصت را برای بروز استعدادهایش داشته باشد و در همان حال نیز به موفقیت تیمی برسد. برای ایفای نقش مربیگری و هدایت ورزشکاران نیاز به یک ساختار رهبری است که ورزشکاران بتوانند در آن ساختار بهترین عملکرد جسمانی و مهارتی را داشته باشند. این امر همان مسئله اساسی شناخت سبک رهبری موثر مربیان را بیان می‌کند که عامل مهم هدایت مربی و ورزشکار است (۱۱). سبک رهبری و تصمیم‌گیری مربی ممکن است از یک مربی به مربی دیگر بر اساس شخصیت، تجربه و آموزه‌هایش متفاوت باشد. همچنین، یک سبک ویژه ممکن است برای برخی بازیکنان قابل قبول باشد و برای برخی دیگر نباشد. بنابراین، مربی باید از سبک‌های متفاوت رهبری و سازگاری شیوه‌های درست رهبری برای بازیکنان آگاه و مطلع باشد. شیوه رهبری درست می‌تواند بازیکنان را برانگیزد و عملکردشان را بهبود بخشد و رضایت آنان را فراهم کند (۱). در همین ارتباط چلادورای و ساله^۳ (۱۹۸۰) برای رفتار رهبری مربی در موقعیت‌های ورزشی، پنج سبک رهبری آموزش و تمرین^۴، سبک دموکراتیک^۵، سبک آمرانه^۶، سبک حمایت اجتماعی^۷، سبک بازخورد مثبت^۸ را شناسایی کردند. سبک آموزش و تمرین، رفتاری است برای بهبود عملکرد ورزشکاران از طریق آموزش تکنیک‌ها و در ورزش‌های تیمی به هماهنگ کردن فعالیت‌های اعضای تیم اطلاق می‌شود. در رفتار بازخورد مثبت، مربی ورزشکاران را مورد تقدیر قرار می‌دهد و از بازی آن‌ها تعریف می‌کند. سبک حمایت اجتماعی، رفتاری است که با نیازهای اجتماعی ورزشکاران سر و کار دارد و مربی با استفاده از آن برای ارضاء نیازهای

در ورزش، برای کسب پیروزی در مسابقات هزینه و زمان زیادی صرف می‌شود. با هر پیروزی مردم علاقه‌مند به آن تیم، غرق در شغف و شادمانی می‌شوند، احساس برتری و غرور می‌کنند و زمانی که تیمی می‌بازد یا در انتهای جدول قرار می‌گیرد، شرایطی ناخوشایند بر باشگاه، سرمایه‌گذاران، بازیکنان، مربیان و علاقه‌مندان به آن تیم حاکم می‌شود. با وجود چنین شرایطی، ضرورت دارد عواملی که در پیروزی و شکست تیم‌ها تأثیرگذارند، شناخته شود و مورد بررسی قرار گیرند. محققان در زمینه‌های متعدد سعی کرده‌اند عوامل مؤثر در موفقیت تیم‌های ورزشی را شناسایی کنند. مثلاً گیلبرتسون^۱ (۲۰۰۰) هفت عامل اساسی و عمده مربی یا رهبر، انگیزش افراد، امکانات مالی، اهداف، خلاقیت، ساختار و مهارت را به عنوان عوامل حیاتی در موفقیت یک تیم یا سازمان ورزشی مطرح کرده است (۸). فراست (۱۹۷۵) مربیان را محور اصلی و رکن مهم تیم‌های ورزشی می‌داند و به عقیده او در میان سه عامل ورزشکار، مربی و تماشاگر، مربی در رهبری تیم به عنوان سازمان دهنده‌ای قوی و زیربنای هر پیشرفت مطرح است. امروزه، مربی موفق تنها معمار تاکتیک نیست، بلکه رهبری است که توانایی‌های روانی خود را برای رهبری بازیکنان به شکل مطلوبی به کار می‌گیرد و آن‌ها را هدایت می‌کند (۵). در همین ارتباط کاس^۲ (۱۹۸۴) مربیان را اجزاء حیاتی منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی دانسته است. به اعتقاد او مربیان حتی اگر واژه رهبری را در مورد خود به کار نبرند، اما وظایف آنان همچون سایر فعالیت‌های پیشرفته و سازمان یافته، مستلزم اعمال رهبری است (۲۱). مربیان در ایفای نقش مربیگری به دنبال ایجاد شرایطی هستند تا هر ورزشکار

3 . Chelladurai & Saleh

4 . Training & Instruction style

5 . Democratic style

6 . Autocratic style

7 . Social support style

8 . Positive feedback style

1 . Gillbertson

2 . Case

در خصوص استفاده مربیان از الگوهای رفتاری متفاوت، چلادورای (۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان رهبری در ورزش (۲۲)، سرپا^۳ و همکاران (۱۹۹۱) در پژوهشی بر روی الگوی رهبری در رقابت‌های بین‌المللی هندبال (۳۹)، مرادی و همکاران (۱۳۸۵) بر روی لیگ برتر بسکتبال (۱۰)، نظرودین^۴ و همکاران (۲۰۰۹) بر روی مربیان تیم‌های بسکتبال دانشگاهی (۳۵) و احسانی و همکاران (۲۰۱۲) در جودوکاران نخبه ایرانی (۲۷) گزارش کرده‌اند که مربیان، بیشتر از رفتار آموزش و تمرین و کمتر از رفتار آمرانه استفاده می‌کنند. در حالی که رضانی‌نژاد و حسینی کشتان (۲۰۰۹) بر روی لیگ برتر فوتبال ایران (۳۶)، خلیج و همکاران (۲۰۱۱) در مسابقات قهرمانی ملی اسکیت زنان (۳۱)، حسینی کشتان و همکاران (۱۳۸۹) در لیگ برتر والیبال (۶)، و وحدانی و همکاران (۱۳۹۱) در دانش‌آموزان ارومیه (۱۳) نشان دادند، مربیان از رفتار آموزش و تمرین بیشترین و از رفتار دموکراتیک کمترین استفاده را می‌کردند. به طور کلی تحقیقات در حیطه رهبری مربی با این پیش‌فرض انجام می‌گیرد که نوع رفتار رهبری نشان داده شده از طرف مربی، تأثیرات مهمی را بر ورزشکار دارد (۱۵). تحقیقات دو دهه قبل در زمینه کارایی مربیگری بیشتر بر شناخت خصوصیات مربیگری، سبک‌های رهبری و الگوهای رفتار مربی متمرکز بوده است. بر اساس این مطالعات، مربی کارآمد فردی است که توانایی تغییر نتیجه، اجرای موفقیت‌آمیز و مهم‌تر از همه توانایی واکنش‌های روانی مثبت در تیم را داشته باشد (۲۸)، چون عملکرد ورزشی فرد تحت تأثیر عوامل روانی و اجتماعی زیادی قرار دارد که شناخت این عوامل برای مربی بسیار تعیین کننده است (۲). عوامل روانی و عاطفی ورزشکاران در گروه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آنچه که اهمیت دارد ضرورت بررسی

متقابل شخصی ورزشکاران تلاش می‌کند. در رفتار دموکراتیک، مربی به ورزشکاران اجازه می‌دهد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش دستیابی به آن‌ها مشارکت کنند و نظر بازیکنان را در مورد روش بازی و تمرین و موضوعات مهم مربیگری جویا می‌شود. در مقابل رفتار دموکراتیک، سبک آمرانه رفتاری است که مربی هرگز بازیکنان را در تصمیم‌گیری‌ها و مسائل تیم دخالت نمی‌دهد و بازیکنان باید دستورات مربی را اجرا کنند (۲۳). به دلیل اهمیت نقش رفتار مربی بر فرآیندهای روانی و عملکرد ورزشکاران، روانشناسان ورزشی به مطالعه پیامدهای رفتارهای مختلف رهبری علاقه‌مند شده‌اند (۴) و پژوهش‌های متعددی در زمینه رفتار و سبک‌های رهبری مربیان انجام داده‌اند. مثلاً چلادورای (۱۹۹۰) با طرح مدل چندبعدی رهبری، رفتار مربیان را متأثر از ویژگی‌های اعضا، ویژگی‌های موقعیت و ویژگی‌های رهبری می‌داند. همچنین، عملکرد تیمی و رضایت‌مندی بازیکنان را پیامد رفتار مربیان می‌شناسد (۲۲). بر اساس یافته‌های آمورسو و هورن^۱ (۲۰۰۰) رفتار مربیان به طور مستقیم بر انگیزش، خود ادراکی، درک موفقیت و رفتارهای پیشرفتی ورزشکاران اثرگذار است (۱۵). جووت^۲ (۲۰۰۵) نیز ارتباط مربی و ورزشکار را اساس و شالوده فرآیند مربیگری معرفی کرد، ماهیت این ارتباط تعیین کننده انگیزش، رضایت، اعتمادبه‌نفس و عملکرد ورزشکار است (۳۰). علاوه بر این، تحقیقات بسیاری رابطه رفتار رهبری مربیان را با برخی از عوامل تیمی و متغیرهای فردی مانند انسجام گروهی (۱۰، ۳۸)، عملکرد تیمی (۶)، رضایت‌مندی ورزشکاران (۱، ۳۵)، انگیزش (۱۴) و تعهد ورزشی (۷، ۱۶)، را به خوبی نشان دادند.

3. Serpa

4. Nazarudin

1. Amorose AJ, Horn

2. Jowett

و مطالعه تمام موارد و عوامل است که در همین زمینه هویت ورزشی^۱ به عنوان جنبه بسیار مهمی از رفتار روانی، اجتماعی ورزشکاران مورد مطالعه قرار می‌گیرد (۱۲). عبارت هویت در روانشناسی اجتماعی دارای کاربرد و تعاریف مشخصی بوده و به وضعیتی اشاره می‌کند که اشخاص در طی آن به چندین نقش دست‌یافته و در جامعه بسیار متمایز امروزی ایفا می‌کنند (۳۲). اریکسون^۲ (۱۹۹۴) درک فرد از شخصیت و جایگاه خود، که می‌تواند پاسخ به سؤال "من چه کسی هستم" باشد را به عنوان هویت یک فرد نام‌گذاری کرده است. به گفته او، هویت ما با هر تجربه و اطلاعات جدیدی که در تعاملات روزانه خود با دیگران به دست می‌آوریم، دائماً تغییر می‌کند. هویت انواع متفاوتی دارد که می‌توان از انواع آن به هویت فردی (شخصی)، هویت خانوادگی؛ هویت ملی؛ هویت دینی؛ هویت اجتماعی؛ هویت فرهنگی و هویت ورزشی اشاره کرد (۱۲). از تمام خودهای ممکن (هویت‌ها) که محققان نسبت به آن جذب شده‌اند، هویت ورزشی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و شواهد این مورد را می‌توان در حجم مطالعاتی مشاهده کرد که هویت ورزشکاران را به عنوان متغیر اصلی بکار گرفته‌اند (۲۴). هویت ورزشی به عنوان میزان قدرت و درجه‌ای که افراد خود را با نقش ورزشکار بودن می‌شناسند تعریف شده است. در همین ارتباط برور و همکاران^۳ (۱۹۹۳) معتقدند ورزشکاران با هویت ورزشی بالا به مشارکت ورزشی متعهد شده و باعث می‌شود خود را به طور محض ورزشکار بدانند (۱۹). همچنین افراد با هویت ورزشی بالا، ارزش خود را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار داده و تمایل به تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی قوی خود دارند که بعدها در صورت رسیدن ورزشکار به سطوح نخبگی رشد می‌کند. در

نتیجه اکثر ورزشکاران بر اساس موفقیتشان در ورزش، هویت خود را تقویت می‌کنند. چزلاک^۴ (۲۰۰۴) مدل پیشرفته‌ای را به عنوان شاخص تعیین هویت ورزشی معرفی کرده که شامل دو مؤلفه بیرونی (انحصارگرایی^۵، هویت اجتماعی^۶) و سه مؤلفه درونی (هویت خود^۷، تأثیرپذیری منفی^۸، تأثیرپذیری مثبت^۹) است (۲۴). هویت اجتماعی، آگاهی اجتماعی فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار است و انحصارگرایی به اهمیت نقش ورزشکار در مقایسه با سایر فعالیت‌های روزمره اشاره دارد (۱۹). هویت خود میزان آگاهی و ادراک فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار است. این مؤلفه مربوط به این است که فرد خودش را به عنوان یک ورزشکار چگونه می‌بیند و آن شامل نگرش‌ها، اعتقادات و احساسات فرد در مورد فعالیت ورزشی‌اش است. تأثیرپذیری منفی زمانی است که فرد در عرصه ورزش به نتایج نامطلوبی دست پیدا می‌کند و عواطف منفی را تجربه می‌کند. تأثیرپذیری مثبت هم بر احساسات مثبت فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (۲۴). به طور کلی مؤلفه‌های بیرونی به واسطه گروه‌های درون جامعه مانند خانواده، دوستان، مربیان، معلمان، رسانه‌ها دارای تأثیرات قابل‌توجهی بر ورزشکاران هستند (۳۳). درحالی‌که مؤلفه‌های درونی به میزان تأثیرپذیری ادراکات فردی، همچون ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکار اطلاق می‌شود (۲۴). هویت‌های ما که محصول عزت نفس و میزان حمایت‌های اجتماعی دریافت شده از سوی دیگران هستند، به وسیله احساسات و عواطفمان تغییر کرده یا ثابت باقی می‌ماند. در ورزش ارتباط بین ورزشکار و محیط

4. Cieslak
5. Exclusivity
6. Social Identity
7. Self-identity
8. Negative Affectivity
9. Positive Affectivity

1. Athletic identity
2. Erikson
3. Brewer et al

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مربیان کارآمد باید با این‌گونه مسائل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بازیکنان آشنا باشند تا بتوانند از عهده مدیریت و رهبری تیم برآیند و عملکرد تیم را با بهبود مهارت‌های مربیگری خود ارتقا دهند و این موضوع را درک کنند که نوع رفتار و مدیریت مربیان می‌تواند تأثیر زیادی بر ورزشکاران و کل تیم داشته باشد (۳۷). بنابراین با توجه به جایگاه مهم هویت ورزشی ورزشکاران و اثراتی که بر جنبه‌های عملکردی و روانی آن‌ها می‌گذارد و با توجه به نقش عمده و اثرگذار مربی در فرآیند شکل‌گیری آن در طول حرفه ورزشی ورزشکار، پی بردن به این موضوع که هر یک از سبک‌های رهبری اتخاذ شده از سوی مربی چه تأثیری را می‌تواند بر هویت ورزشی بازیکنان و مؤلفه‌های آن داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به این‌که پژوهش‌های متعددی پیرامون موضوع سبک رهبری مربیان و هویت ورزشی بازیکنان به صورت مستقل انجام شده است، اما پژوهش حاضر به دنبال شناخت مهم‌تری از این دو موضوع با یکدیگر و اولویت بندی آن‌ها صورت گرفته است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران در سال (۱۳۹۱) که ۱۶۰ نفر در ۱۰ تیم بودند در نظر گرفته شده بود، اما به علت انصراف یک تیم در نیم‌فصل دوم مسابقات، جامعه آماری به ۹ تیم ۱۴۴ نفر کاهش یافت. به دلیل محدود بودن جامعه، نمونه برابر با جامعه در نظر گرفته شد. پرسشنامه‌ها در اختیار بازیکنان هر ۹ تیم قرار گرفت. در نهایت از تعداد ۱۴۴ پرسشنامه توزیع شده؛ ۱۲۹ پرسشنامه به طور کامل تکمیل و دریافت شد. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه استاندارد بود. پرسشنامه

(مربی، دوستان، خانواده، رسانه) تقویت‌کننده احساس‌ها و عواطف او به عنوان ورزشکار است (۲۶). در این ارتباط، برور (۱۹۹۳) در پژوهشی اظهار می‌دارد که خانواده، مربی، دوستان، معلمان و رسانه‌ها در تشکیل، شناسایی و حمایت از هویت ورزشی نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری را دارند (۱۹). همچنین هورتون و مک (۲۰۰۰) نشان دادند ورزشکارانی که زمان بیشتری را با مربی و هم‌تیمی‌های خود سپری می‌کنند هویت ورزشی قوی‌تری دارند (۲۹). تحقیقات گری برنز و همکاران (۲۰۱۲) در رابطه بین هویت ورزشی با متغیر فردی رضایتمندی نشان داد، بین همه خرده مقیاس‌های هویت ورزشی با رضایتمندی ورزشکاران رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۰). همچنین نتایج پژوهش هورتون و مک (۲۰۰۰) نشان داد، هویت ورزشی بالا باعث عملکرد ورزشی بهتر، تعهد و تمرین بیشتر و روابط اجتماعی گسترده‌تر در مقایسه با هویت پایین می‌شود (۲۹). از طرف دیگر کنار گذاشته شدن از تیم، آسیب دیدن و یا رسیدن به پایان دوره ورزش حرفه‌ای، می‌تواند از جمله شرایط مواجهه با مشکلات در افراد با هویت ورزشی بالا باشد. به عنوان مثال یک هویت ورزشی قوی و منحصربه‌فرد می‌تواند، به عنوان یک عامل ایجادکننده اختلال عاطفی برای ورزشکارانی که به پایان ورزش حرفه‌ای خود رسیده‌اند در نظر گرفته شود (۴۰). هویت ورزشی ورزشکاران می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد. نتایج تحقیقات هادیان (۱۳۹۱) نشان داد، ورزشکاران رشته‌های ورزشی انفرادی در مقایسه با ورزش‌های گروهی به صورت معنی‌داری هویت ورزشی بالاتری داشتند (۱۲). شجیع (۱۳۸۹) نیز تفاوت معنی‌داری در هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران در رده‌های نوجوانان، جوانان و بزرگسالان مشاهده کرد (۹).

آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح معنی‌داری ($p \leq 0/05$) استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج نشان داد که در میان بازیکنان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۵۵/۸ درصد (۷۲ نفر) مجرد و ۴۴/۲ درصد (۵۷ نفر) متأهل بودند. دامنه سنی بازیکنان بین ۱۸ تا ۳۸ سال ($M \pm SD = 25/99 \pm 4/76$) بود. سابقه فعالیت ورزش حرفه‌ای بازیکنان بین ۴ تا ۲۵ سال ($M \pm SD = 12/16 \pm 4/74$) بود. با آزمون کلموگراف-اسمیرنوف، فرض طبیعی بودن توزیع داده‌ها در سبک رهبری تأیید و در هویت ورزشی رد شد. نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس (اندازه‌گیری‌های مکرر) نشان داد که مربیان حاضر در لیگ برتر هندبال ایران بیشتر از سبک رهبری آموزش و تمرین و کمتر از سبک دموکراتیک استفاده می‌کنند. همچنین تفاوت بین سبک‌های رهبری مربیان معنی‌دار بود (جدول ۱).

مقیاس رهبری در ورزش (LSS)^۱ چلادورای و صالح (۱۹۸۰) که بر اساس مدل چندبعدی رهبری در ورزش برای بررسی و مطالعه رفتار مربیان در موقعیت‌های ورزشی تهیه شده است. این ابزار، در قالب ۴۰ سؤال، رفتار رهبری مربیان را در پنج بعد سبک آموزش و تمرین، آمرانه، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت ارزیابی می‌کند. ثبات درونی این پرسشنامه را محققان $r = 0/75$ گزارش کردند (۲۴). حسینی (۱۳۸۹) و وحدانی (۱۳۹۱) نیز ثبات درونی این پرسشنامه را به ترتیب $r = 0/91$ ، $r = 0/82$ اعلام کردند (۶؛ ۱۳) ثبات درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر، با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. پرسشنامه مقیاس تکمیلی هویت ورزشی چزلاک (۲۰۰۴)، برای اندازه‌گیری هویت ورزشی ورزشکاران تهیه شده است که در قالب ۲۲ سؤال، عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ورزشی را با پنج خرده مقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی، هویت خود، تأثیر پذیری منفی، تأثیر پذیری مثبت، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ضمناً در این پرسشنامه از یک مقیاس ۱۰ ارزشی (۰=کاملاً مخالف تا ۱۰=کاملاً موافق) برای کمی‌سازی آن استفاده شد. شجیع (۱۳۸۸) و توکلی (۱۳۹۰) در تحقیقات خود به ترتیب ثبات درونی این مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و ۰/۸۹ گزارش کردند (۳، ۹). همچنین ثبات درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۹ محاسبه شد. پرسشنامه‌ها پس از هماهنگی با فدراسیون هندبال ایران و باشگاه‌ها، در سه هفته متوالی و در روز قبل از مسابقه در هتل اقامت تیم‌ها بین بازیکنان توزیع و در همان روز جمع‌آوری شد. جهت تعیین نوع توزیع داده‌ها از آزمون کلموگراف اسمیرنوف و از آزمون‌های تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر و تعقیبی بونفرونی، آزمون رتبه‌بندی فریدمن و همچنین

جدول ۱. مقایسه سبک رهبری مربیان لیگ برتر هندبال ایران

سبک رهبری	M±SD	F	df	سطح معنی داری
آموزش تمرین	۳/۵۹±۰/۶۸			
حمایت اجتماعی	۳/۳۸±۰/۷۴			
بازخورد مثبت	۳/۲۹±۰/۹۵	۲۵/۸۱	۲/۵۹	۰/۰۰۱*
آمرانه	۳/۰۷±۰/۶۵			
دموکراتیک	۲/۹۴±۰/۸۴			

* در $p < 0.05$ معنی دار است.

نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد که فقط بین سبک رهبری بازخورد مثبت با حمایت اجتماعی و آمرانه و همچنین بین سبک رهبری آمرانه با دموکراتیک تفاوت

معنی داری وجود ندارد. بین سایر سبکها تفاوت معنی داری مشاهده شد (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه سبک رهبری مربیان لیگ برتر هندبال ایران

مقایسه سبک رهبری مربیان	اختلاف میانگینها	سطح معنی داری
حمایت اجتماعی	۰/۲۰	۰/۰۰*
بازخورد مثبت	۰/۲۹	۰/۰۰*
آموزش و تمرین	۰/۵۱	۰/۰۰*
آمیرانه	۰/۶۴	۰/۰۰*
دموکراتیک	۰/۰۹	۰/۷۸
بازخورد مثبت	۰/۳۱	۰/۰۰*
حمایت اجتماعی	۰/۴۴	۰/۰۰*
دموکراتیک	۰/۲۱	۰/۲۹
آمیرانه	۰/۳۴	۰/۰۰*
بازخورد مثبت	۰/۱۳	۱/۰۰
آمیرانه		

* در $p < 0.05$ معنی دار است.

یافته‌های مربوط به رتبه‌بندی خرده مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های لیگ برتر هندبال کشور از طریق آزمون فریدمن نشان داد که بیشترین میانگین نمره در هویت ورزشی مربوط به خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت و کمترین میانگین نمره مربوط به خرده مقیاس انحصارگرایی است. همچنین نتایج نشان داد اختلاف میان میانگین رتبه‌ها معنی دار است و رتبه‌ها یکسان نیستند (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران

خرده مقیاس‌های هویت ورزشی	M±SD	میانگین رتبه	df	سطح معنی داری
هویت تأثیرپذیری مثبت	۸/۹۰±۱/۲۷	۴/۱۲		
مؤلفه‌های درونی	۸/۱۴±۱/۸۱	۳/۲۹		
هویت خود	۸/۲۲±۱/۵۵	۳/۰۳	۴	۰/۰۰۱*
هویت اجتماعی	۷/۷۸±۱/۳۹	۲/۳۴		
مؤلفه‌ها بیرونی	۷/۵۸±۱/۸۹	۲/۲۱		
هویت انحصارگرایی				

* در $p < 0.05$ معنی دار است.

حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت، آمرانه و دموکراتیک مربیان با هویت ورزشی بازیکنان رابطه معنی‌داری مشاهده نشد (جدول ۴).

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین سبک رهبری آموزش و تمرین مربیان با هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، درحالی‌که بین سبک‌های رهبری

جدول ۴. رابطه سبک رهبری مربیان با هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران

شاخص	سبک رهبری	آموزش و تمرین	حمایت اجتماعی	بازخورد مثبت	آمرانه	دموکراتیک
هویت ورزشی	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۲۳**	۰/۱۱	۰/۰۲	-۰/۰۰۵	۰/۱۳
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۶	۰/۱۹	۰/۸۲	۰/۹۵	۰/۱۲

*: در $p < 0.05$ معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش اولویت‌بندی و بررسی رابطه بین سبک‌های رهبری مربیان و خرده مقایس‌های هویت ورزشی بازیکنان در لیگ برتر هندبال ایران بود. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه بازیکنان، مربیان حاضر در لیگ برتر بیشتر از سبک آموزش و تمرین استفاده می‌کنند. براین اساس می‌توان گفت مربیان لیگ برتر هندبال ایران در تمرینات خود بیشتر بر آموزش مهارت‌ها، تکنیک و تاکتیک‌های ورزشی تأکید دارند و هدف آن‌ها بهبود عملکرد بازیکنان است. نتایج تحقیقات سرپا و همکاران (۳۹)، نظرودین و همکاران (۳۵)، خلج و همکاران (۳۱)، احسانی و همکاران (۲۷)، مرادی و همکاران (۱۰) و وحدانی و همکاران (۱۳) نیز نشان می‌دهد که مربیان سبک رهبری آموزش و تمرین را بیشتر از سایر سبک‌های رهبری به کار می‌برند که با نتیجه پژوهش حاضر همخوانی دارد. در همین راستا چلادورای و کارون (۱۹۸۳) اظهار می‌دارند که ورزشکاران برجسته بیشتر نگران دانش و آگاهی مربیان خود هستند تا برقراری ارتباطات شخصی؛ از این‌رو بدیهی است مربیان هندبال لیگ برتر سبک آموزش و تمرین را در اولویت قرار دهند که نشانه دانش فنی آن‌ها است (۲۲). در حالیکه نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های به دست آمده از

تحقیقات بنت و مانوئل (۱۹۹۸) که نشان دادند مربیان جوانان نخبه بیس‌بال بیشتر از سبک بازخورد مثبت استفاده می‌کنند، همخوانی ندارد (۱۷). علت احتمالی این ناهمخوانی می‌تواند در نوع جامعه مورد مطالعه نهفته باشد؛ زیرا جامعه مورد مطالعه و بررسی بنت و مانوئل گروه ورزشکاران جوان بودند که احتمالاً با توجه به موقعیت سنی حساس بازیکنان از لحاظ روان‌شناختی، شناسایی اجرای خوب آن‌ها و به دنبال آن تشویق، تمجید و پاداش به خاطر عملکرد خوبشان، به ایجاد انگیزه‌ای قوی برای ادامه مشارکت و پیشرفت‌شان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. سایر اولویت‌های سبک رهبری مربیان نشان داد که مربیان هندبال لیگ برتر ایران از سبک رهبری دموکراتیک و آمرانه نسبت به سایر سبک‌ها کمتر استفاده می‌کردند. اولویت آخر سبک رهبری دموکراتیک از سوی مربیان هندبال به این معنی است که مربیان به ندرت بازیکنان را در تصمیم‌گیری‌ها و مسائل تیم دخالت می‌دهند و میزان مشارکت ورزشکاران در تصمیم‌گیری مربوط به تعیین اهداف گروهی، شیوه‌های تمرین و اتخاذ راهبرد مناسب در مسابقات و به طور کلی مسائل مربوط به تیم کم است و معمولاً مربیان به تنهایی تصمیم می‌گیرند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های حسینی کشتان و همکاران (۶) و وحدانی و همکاران (۱۳) که نشان دادند

دارد و رفتار دموکراتیک در مسایل پیچیده اثربخشی کمتر و نیاز به صرف زمان بیشتری دارد.

با توجه به نورم تعیین شده در مقیاس اندازه‌گیری هویت ورزشی، یعنی نمرهٔ بین ۰ تا ۷۳ به عنوان هویت ورزشی پایین، ۷۴ تا ۱۴۶ هویت ورزشی متوسط و نمره ۱۴۷ تا ۲۲۰ به عنوان هویت ورزشی بالا، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران از هویت ورزشی نسبتاً بالایی ۱۷۷ برخوردارند. بالا بودن هویت ورزشی این ورزشکاران بیانگر این است که آن‌ها خودشان را به طور محض ورزشکار می‌دانند و به مشارکت ورزشی خود متعهد هستند. با توجه به این که این ورزشکاران در سطح بالایی از ورزش (نخبگی) به فعالیت می‌پردازند و با استناد بر نتایج پژوهش مابلز و کریستنسن (۲۰۰۶) نتایج این پژوهش منطقی به نظر می‌رسد (۳۴) و با نتیجه پژوهش شجیع (۱۳۸۹) نیز همخوانی دارد (۹).

نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن بر روی خرده مقیاس‌های هویت ورزشی نشان داد که بیشترین میانگین نمره به دست آمده از خرده مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان مربوط به تأثیرپذیری مثبت است و به دنبال آن خرده مقیاس‌های هویت خود، تأثیرپذیری منفی، هویت اجتماعی و انحصارگرایی به ترتیب تأثیر بودند. بنابراین رتبه‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که در این پژوهش اهمیت، قدرت و انحصار نقش ورزشکار بیشتر از مؤلفه‌های داخلی هویت ورزشی (تأثیرپذیری مثبت، تأثیرپذیری منفی، هویت خود) تأثیر می‌پذیرد که مربوط به درک و ارزیابی و تفسیر چگونگی تأثیر عوامل درونی و خود ارزیابی بر «خود» و رفتار اجتماعی است. این نتیجه با یافته پژوهش‌های چزلاک (۲۰۰۴) و شجیع (۱۳۸۹) همسو است (۲۴،۹) اما با یافته پژوهش‌های برور و همکاران (۱۹۹۳) و ریسکا (۲۰۰۲) که بر تأثیر بیشتر مؤلفه‌های خارجی هویت ورزشی (هویت اجتماعی و

مربیان از سبک رهبری دموکراتیک کمتر استفاده می‌کنند همسو است. همچنین اولویت کمتر سبک آمرانه با نتایج تحقیقات سرپا و همکاران (۳۹)، بنت و مانوئل (۱۷)، مرادی و همکاران (۱۰)، نظرودین و همکاران (۳۵) و احسانی و همکاران (۲۷) که سبک رهبری آمرانه را کمترین سبک مورد استفاده مربیان می‌دانستند نیز همخوانی دارد. به هر حال با توجه به مبانی نظری می‌توان این دو سبک را جزو شیوه‌های تصمیم‌گیری قلمداد کرد که مربیان کمتر از آن استفاده می‌کنند و در این پژوهش اختلاف معنی‌داری بین این دو سبک مشاهده نشد. در اکثر تحقیقات برای بررسی سبک رهبری مربیان از مدل چلادورای و ساله (۱۹۸۰)، استفاده کرده‌اند و همین موضوع نشان می‌دهد که استفاده از این مدل در تحقیقات رهبری در ورزش متداول‌تر است. در این مدل بیان شده است که تناسب رفتارهای آمرانه و دموکراتیک با توجه به وضعیت یا موقعیت متفاوت است و در تیم‌هایی مانند تیم‌های حرفه‌ای که تعداد ورزشکاران زیاد است، احتمالاً رفتار آمرانه‌تر بیشتر استفاده می‌شود و رفتار دموکراتیک در مسایل پیچیده اثربخشی کمتر و نیاز به صرف زمان بیشتری دارد (۲۳). همچنین پنمن و همکاران (۱۹۷۴) نشان دادند، سرمربیان موفق رشته‌های فوتبال و بسکتبال در مقایسه با سرمربیان کمتر موفق مقتدرانه‌تر عمل می‌کنند (۲۵). تری و هاو (۱۹۸۴) نیز نشان دادند که ورزشکاران در رشته‌های ورزشی گروهی مانند بسکتبال، فوتبال و والیبال و هندبال نسبت به ورزشکاران رشته‌های ورزشی انفرادی بیشتر سبک آمرانه را ترجیح دادند (۴۱). بنابراین به نظر می‌رسد سبک آمرانه در موقعیت‌هایی مانند در طول یک بازی یا هدایت یک جلسه سخت‌ترین مؤثرتر باشد. هم چنین در تیم‌هایی با تعداد ورزشکاران زیاد احتمالاً رفتار آمرانه‌تر اثربخشی بیشتری

شاید از دلایل عدم ارتباط معنی‌دار بین این متغیرها بتوان به مواردی از قبیل مقطعی بودن پژوهش، جامعه آماری و ابزار مورد استفاده پژوهش اشاره کرد؛ زیرا در یک مطالعه مقطعی نمی‌توان استدلال قوی از رابطه بین دو متغیر داشت، بنابراین نیاز است در یک مطالعه طولی به بررسی تأثیرات رفتار مربی بر هویت ورزشی ورزشکاران پرداخت. در رابطه با جامعه آماری باید گفت که تأثیر رفتار مربی بر هویت ورزشی بازیکنان احتمالاً در سنینی که هویت ورزشی در حال شکل‌گیری است نسبت به سنین بزرگسالی بیشتر باشد. در مورد ابزار پژوهش هم در واقع نکته قابل توجه این است که در نسخه جدید مقیاس سنجش هویت ورزشی که توسط چزلاک (۲۰۰۴) تهیه شده، مؤلفه‌های درونی هویت ورزشی بیشتر از مؤلفه‌های بیرونی مورد توجه واقع شده است. مواردی که بیان شد احتمالاً می‌تواند برخی از دلایل عدم ارتباط معنی‌دار بین چندین سبک رهبری با هویت ورزشی باشد. برور و همکاران (۱۹۹۹) بر اساس نتایج پژوهش خود اظهار داشتند که هویت ورزشی ورزشکاران به واسطه عملکرد ضعیف در طول فصل کاهش می‌یابد. آن‌ها معتقد بودند که عملکرد ضعیف فرد در طول فصل موجب نارضایتی از خود و نقش ورزشکاری وی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار داده و هویت ورزشی وی را کاهش می‌دهد. این امر بر خلاف ورزشکارانی است که از فصل رقابتی خود راضی هستند (۱۸)؛ بنابراین از آنجایی که تأکید بیشتر مربی بر سبک آموزش و تمرین با هدف بهبود عملکرد بازیکنان و تیم و افزایش توانایی‌های فنی و موفقیت تیمی صورت می‌گیرد و همچنین با توجه به نتایج پژوهش حسینی کشتان و همکاران (۱۳۸۹) مبنی بر اینکه مربیان تیم‌های موفق که عملکرد بهتری از خود نشان دادند، به طور معنی‌داری بیشتر از تیم‌های ناموفق و کمتر موفق از رفتار آموزش و تمرین استفاده کردند (۶)، می‌توان نتیجه گرفت

انحصارگرایی که مربوط است به درجه تأثیر جامعه و گروه درون جامعه بر فرد و رفتار اجتماعی) تأکید داشتند، متفاوت است (۳۸،۱۹). از دلایل اصلی این ناهمخوانی می‌توان به متفاوت بودن ابزار مورد استفاده پژوهش اشاره کرد زیرا در نسخه جدید پرسشنامه هویت ورزشی که توسط چزلاک (۲۰۰۴) تهیه شده یک عامل جدید به مؤلفه درونی و آیتم‌های مفهومی دیگری به پرسشنامه اضافه شده که اتفاقاً همین مؤلفه در پژوهش حاضر بالاترین میانگین نمره را در بین تمامی مؤلفه‌های تأثیرگذار در هویت ورزشی کسب کرده است.

همانطور که عنوان شد، تحقیقات در حوزه شیوه‌های رهبری مربیان به طور کلی با این پیش‌فرض انجام می‌گیرد که نوع رفتار نشان داده شده از سوی مربی، می‌تواند تأثیر مهمی بر ورزشکاران داشته باشد (۱۵). یافته‌های مربوط به همبستگی میان سبک رهبری مربیان بر هویت ورزشی بازیکنان نشان داد، فقط بین سبک رهبری آموزش و تمرین با هویت ورزشی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، این در حالی است که بین دیگر سبک‌های رهبری مربیان با هویت ورزشی رابطه‌ای معنادار مشاهده نگردید. با توجه به نتایج برگرفته شده از نظریه‌های برور (۱۸)، مارتین (۳۳) و دیودا (۲۶) مبنی بر اینکه در ورزش ارتباط میان ورزشکار و مربی، خانواده، دوستان و یا رسانه‌ها در طول دوره ورزشی بر شکل‌گیری هویت ورزشی ورزشکاران بسیار تأثیرگذار است و اینکه هویت ورزشی محصول عزت نفس و میزان حمایت‌های اجتماعی دریافت شده از دیگران در طول دوره ورزشی است، انتظار می‌رفت که علاوه بر سبک آموزش و تمرین، بین سبک حمایت اجتماعی، دموکراتیک، بازخورد مثبت مربیان با هویت ورزشی ارتباط مثبت و معنی‌دار و همچنین بین سبک رهبری آمرانه با هویت ورزشی ارتباط منفی و معنی‌داری یافت شود که این ارتباط مشاهده نگردید.

معناست که مؤلفه‌های بیرونی (جامعه و گروه‌های درون جامعه) نسبت به مؤلفه‌های درونی اثر کمتری را می‌توانند بر هویت ورزشی ورزشکاران در این پژوهش داشته باشند. در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود مربیان شاغل در لیگ برتر هندبال همواره هویت ورزشی بازیکنان را به عنوان یک عامل مهم روان‌شناختی در نظر داشته باشند و با بهبود مهارت‌های مربیگری خود در حین آموزش و تمرین، بازیکنان و تیم را در جهت پیشبرد اهدافشان یاری کند. همان‌طور که عنوان شد تا کنون تحقیقی مشابه در زمینه ارتباط بین این دو متغیر صورت نگرفته است، بنابراین ضروریست که در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های بعدی به بررسی اثرات سبک‌های رهبری مربیان بر خرده مقیاس‌ها و یا مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی به طور جداگانه بپردازند.

که تأکید بیشتر مربی بر این سبک باعث بهبود عملکرد ورزشکار می‌شود که این خود باعث می‌شود، هویت ورزشی فرد به دنبال عملکرد راضی‌کننده‌اش افزایش یابد. همچنین زمانی که مربی بیشتر این سبک را به کار گیرد، باعث می‌شود تیم به موفقیت و نتایج مطلوب‌تری نسبت به قبل دست پیدا کند و بازیکنان هم تجربه‌های مثبت و مطلوب بیشتری (تأثیرپذیری مثبت) را کسب کنند که در نهایت منجر به رشد هویت ورزشی بازیکنان شود. بنابراین نتایج پژوهش حاضر مبنی بر رابطه مثبت و معنی‌دار بین سبک آموزش و تمرین با هویت ورزشی ورزشکاران منطقی به نظر می‌رسد. همچنین معنی‌دار نبودن چندین سبک با هویت در نتایج این یافته با نتیجه دیگر همین پژوهش مبنی بر پایین بودن میانگین نمره مؤلفه‌های بیرونی نسبت به مؤلفه‌های درونی نوعی هماهنگی در پژوهش محسوب می‌شود؛ زیرا پایین‌تر بودن میانگین نمره مؤلفه‌های بیرونی از مؤلفه‌های درونی در واقع به این

منابع و مآخذ

۱. احمدی، مهدی، (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط رفتار مربیان و رضایتمندی با عملکرد ورزشکاران در لیگ برتر تکواندو ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران، ص ۳.
۲. برد، آن ماری، (۱۳۷۰). "روانشناسی و رفتار ورزشی"، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات سازمان تربیت بدنی، ص ۱۱۸.
۳. توکلی، محمد حسن. کشتی‌دار، محمد. خوشبختی، جعفر (۱۳۹۰). "تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ بر هویت ورزشی دانشجویان دانشگاه بیرجند". پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۱، صص ۱۰۲-۸۹.
۴. تهامی، گلاره. سجادی، سید نصرالله. خبیری، محمد. الهی، علی رضا. (۱۳۸۹)، "رابطه بین سبک رهبری و منبع قدرت مربیان تیمهای لیگ برتر والیبال کشور از دیدگاه بازیکنان" مدیریت ورزشی، شماره ۷-صص ۴۲-۲۵.
۵. جباری، غلامرضا. کوزه‌چیان، هاشم. خبیری، محمد (۱۳۷۹). "بررسی سبک رهبری، توانایی‌ها و نحوه عملکرد مربیان فوتبال باشگاه‌های دسته اول و دوم کشور (جام آزادگان)". نشریه حرکت، شماره ۶، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۶. حسینی کشتیان، میثاق. رضائی‌نژاد، رحیم. محمد پناهی، پیام. شفیعی کردشولی، شهرام (۱۳۸۹). "تأثیر پویایی گروه و سبک رهبری مربیان بر عملکرد تیمی باشگاه‌های والیبال لیگ برتر ایران". پژوهش در علوم ورزش، شماره ۲۷، صص ۱۰۹-۱۲۶.

۷. حلاجی، محسن. زردشتیان، شیرین. تندنویس، فریدون (۱۳۹۰). "ارتباط سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عملکرد مربیان با تعهد بازیکنان لیگ برتر هندبال ایران". نشریه علوم ورزش، شماره ۱۱، صص ۲۷-۴۴.
۸. زردشتیان، شیرین. تندنویس، فریدون. هادوی، فریده. خبیری، محمد (۱۳۸۸). "ارتباط بین سبک رهبری تحول‌گرا و عملکرد مربیان با انگیزش اجتناب از شکست بازیکنان لیگ برتر بسکتبال کشور". نشریه علوم حرکتی و ورزش، شماره ۱۳، صص ۱۲۵-۱۱۱.
۹. شجاع، رضا. سهرابی، مهدی. فولادیان، جواد (۱۳۸۹). "مقایسه هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران". نشریه علوم ورزشی، شماره ۲۶، صص ۸۷-۱۰۴.
۱۰. مرادی، محمدرضا. کوزه‌چیان، هاشم. احسانی، محمد. جعفری، اکرم (۱۳۸۵). "رابطه سبک رهبری مربیان با انسجام گروهی بازیکنان در تیم‌های بسکتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور". نشریه حرکت، شماره ۸- (پیاپی ۲۹)، صص ۵-۱۶.
۱۱. مظفری، سید امیر احمد. مشرف جوادی، بتول. شهلاهی باقری، جواد (۱۳۸۴). "ارتباط بین سبک‌های رهبری مربیان تیم‌های کشتی جهان با میزان نگرش به موفقیت آنان". نشریه علوم حرکتی و ورزش. جلد اول - شماره ۵، صص ۱۱۶-۱۰۱.
۱۲. معصومه هادیان، (۱۳۹۱). "بررسی تفاوت هویت ورزشی در بین ورزشکاران ملی پوش رشته‌های ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران، ص ۳.
۱۳. وحدانی، محسن. محرم‌زاده، مهرداد. آقایی، محمود. حسین‌پور، اسکندر (۱۳۹۱). "رابطه سبک‌های رهبری مربیان و انسجام گروهی تیم‌های منتخب دانش‌آموزی شهر ارومیه". مدیریت ورزشی - شماره ۱۴، صص ۴۹-۶۴.
14. Amorose AJ, Butcher A, Dawn. (2007). "Autonomy-supportive coaching and self-determined motivation in high school and college athletes: A test of self-determination theory". *Psychology of Sport and Exercise*: 654-670.
15. Amorose AJ, Horn TS. (2000). "Intrinsic motivation: Relationships with collegiate athletes' gender, scholarship status, and perceptions of their coaches' behavior". *Journal of sport & exercise psychology*, 22:63-84.
16. Andrew DPS. (2004). "The effect of congruence of leadership behaviors on motivation, commitment, and satisfaction of college tennis players". Doctoral Dissertation, Florida State University.
17. Bennett G, Maneval M. (1998). "Leadership styles of elite Dixie Youth baseball coaches". *Perceptual and motor skills*, 87:754-754.
18. Brewer BW, Selby CL, Under DE, Pettipas AJ. (1999). "Distancing oneself from a poor season: Divestment of athletic identity". *Journal of Personal & Interpersonal Loss*, 4:149-162.
19. Brewer BW, Van Raalte JL, Linder DE. (1993). "Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel?". *International journal of sport psychology*. 2: 237-254

20. Burns GN, Jasinski D, Dunn SC, Fletcher D. (2012). **“Athlete identity and athlete satisfaction: The nonconformity of exclusivity”**. Personality and Individual Differences, 52:280-284.
21. Case R. (1990). **“Situational leadership theory and leadership effectiveness in sport settings”**. Psychology and sociology of sport: Current selected research, 2:77-90.
22. Chelladurai P. (1990). **“Leadership in sports: A review”**. International Journal of Sport Psychology. 21: 328-354.
23. Chelladurai P, Saleh SD. (1980). **“Dimensions of Leader Behavior in Sports: Development of Leader Scale”**. Journal of Sport Psychology, 2:34-35.
24. Cieslak II TJ. (2004). **“Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation”**. doctoral thesis, The Ohio State University.
25. Crust L, Lawrence I. (2006). **“A review of leadership in Sport: implications for football management”**. Athl Insight, 8:28-48.
26. Duda JL. (1998). **“Advances in sport and exercise psychology measurement”**. Morgontown, WV: . Fitness Information Technology. 471-482.
27. Ehsani M, Amiri M, Hossini RNS. (2012). **“The relationship between leadership styles of coaches with coaching efficacy among elite Iranian judokas”**. International Journal of Sport Studies, 2:399-405.
28. Horn TS. (2002). **“Coaching effectiveness in the sport domain”**. Advances in sport psychology, 2:309-354
29. Horton R ,Mack D.(2000). **“Athletic identity in marathon runners: Functional focus or dysfunctional commitment? ”** Journal of sport behaviour, 23:101-119.
30. Jowett S, Paull G, Pensgaard A, Hoegmo P, Riise H. (2005) . **“Coach-athlete relationship”**. Applying sport psychology: Four perspectives:153-170.
31. Khalaj G, Khabiri M, Sajjadi N. (2011). **“The relationship between coaches leadership styles & player satisfaction in women skate championship”**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 15:3596-3601.
32. Markus H, Nurius P. (1986). **“Possible selves”**. American psychologist, 41:954-969.
33. Martin JJ, Eklund RC, Mushett CA. (1997). **“Factor structure of the athletic identity measurement scale with athletes with disabilities”** . Adapted Physical Activity Quarterly, 14: 74-82.
34. Mills-Lamont A, Christensen SA. (2006). **“Athletic identity and its relationship to sport participation levels”**. Journal of Science and Medicine in Sport, 9:472-478.
35. Nazarudin B, Fauzee O, Jamalis M, Geok K, Din A.(2009). **“Coaching leadership styles and athlete satisfaction among Malaysian University Basketball team”**. Research Journal of International Studies, 9:4-11.
36. Ramzaninezhad R, Keshtan MH. (2009). **“The relationship between coach’s leadership styles and team cohesion in Iran football clubs professional league”**. Braz J Biomotr, 3:111-120.

37. Riemer HA, Toon K. (2001). **“Leadership and satisfaction in tennis: Examination of congruence, gender, and ability”**. Research Quarterly for Exercise and Sport, 72:243-256.
38. Ryska TA. (2002). **“The Effects of Athletic Identity and Motivation Goals on Global Competence Perceptions of Student-Athletes”**. Child Study Journal, 32(2):109-129.
39. Serpa SN, Pataco V, Santos F. (1991). **“Leadership patterns in handball international competition”**. International Journal of Sport Psychology, 22:78-89.
40. Sparkes AC. (1998). **“Athletic identity: An Achilles' heel to the survival of self”**. Qualitative health research, 8:644-664.
41. Terry P, Howe B. (1984). **“Coaching preferences of athletes”**. Canadian journal of applied sport sciences. Journal canadien des sciences appliquées au sport, 9:188-193.